



# حق الناس

### ایستگاه آخر

فرشته مأمور رسیدگی به اعمال، با دقت آخرین صفحه‌های این فصل پرونده او را هم می‌بیند و بعد مَهْری روی پرونده می‌زند. چیزی نمانده که قلبش از اضطراب کنده شود. همین که فرشته مهر را برمی‌دارد، از خوشحالی فریاد می‌کشد:

..... قبول!

نفس راحتی می‌کشد. باورش نمی‌شود که توانسته است از این ایستگاه<sup>۱</sup> هم با سلامتی عبور کند. برمی‌گردد و به پشت سرش نگاه می‌کند. جمعیت انبوهی را می‌بیند که در ایستگاه‌های مختلف متوقف مانده‌اند. عده‌ای که نمازهایشان کامل نبوده در ایستگاه نماز، آنها که روزه‌هایشان کامل نبوده در ایستگاه روزه، کسانی که زکات اموالشان را نداده‌اند در ایستگاه زکات، عده‌ای در ایستگاه حج، عده‌ای در ایستگاه امر به معروف و ...

یادش می‌آید که خودش هم به خاطر این که بعضی نمازهایش در دنیا درست نبود، مدتی طولانی در ایستگاه نماز معطل مانده بود و اگر رحمت خداوند شامل حالش نشده بود، معلوم نبود چه سرنوشتی در انتظارش بود.

کم‌کم از دور دروازه‌های بهشت نمایان می‌شود. حالا فقط یک ایستگاه دیگر مانده و اگر از این یکی هم با مهر قبول بگذرد، لحظاتی بعد در بهشت خواهد بود. ایستگاه حق الناس!



مسئول کنترل پرونده، نگاهی به فصل آخر پرونده‌اش می‌کند و دستور می‌دهد او را بالای مکان بلندی ببرند. از آن بالا همه را می‌بیند. مردم هم او را می‌بینند. سپس یکی از مأموران با

---

۱- براساس سخنان امامان و پیامبر اکرم علیهم السلام (به عنوان مثال: کافی، ج ۲، ص ۳۳۱) در روز قیامت توقف‌گاه‌هایی وجود دارد که اعمال مردم در آنها بررسی می‌شود.

صدایی بلند او را معرفی می‌کند و می‌گوید: هر کس بر گردن این فرد حقی دارد، بیاید و حقیش را بگیرد.

او که تا چند لحظه پیش خودش را در بهشت می‌دید، ناگهان در بین عده‌ی زیادی از مردم گرفتار می‌شود. مأموران همه را به صف می‌کنند تا یکی یکی بیایند و حرفشان را بزنند. نفر اول جلو می‌آید: مرا به یاد می‌آوری؟ ما با هم همسایه بودیم. یادت هست همیشه مرا به خاطر این که هنگام صحبت کردن زبانم می‌گرفت، مسخره می‌کردی؟ من از تو ناراضی‌ام و نمی‌گذارم به بهشت بروی.

دومین نفر: ما با هم در یک کلاس درس می‌خواندیم. تو از من قوی‌تر بودی و چون می‌دانستی من زورم به تو نمی‌رسد، به بهانه‌های مختلف به من زور می‌گفتی. یادت هست یک بار با من دعوا کردی و سیلی محکمی به صورتم زدی؟ من از تو ناراضی‌ام.

سومین نفر یک مغازه‌دار: یادت هست آن روز برای خرید به مغازه‌ی من آمدی و پولت کم بود؟ هر چه خواستی برداشتی و گفتم می‌روم و خیلی زود بقیه‌ی پول را می‌آورم. اما رفتی و دیگر برنگشتی. حالا بقیه‌ی پولم را از تو می‌خواهم!

نفر بعد: یادت هست آن وقت که در مغازه‌ی میوه‌فروشی کار می‌کردی؟ روزی من برای خرید پیش تو آمدم. تو یک جعبه میوه به من فروختی که میوه‌های روی آن همه سالم بود، ولی میوه‌های زیر آن خراب. تو با اینکه می‌دانستی آن میوه‌ها خراب‌اند، چیزی به من نگفتی و مرا فریب دادی. حالا یا پول مرا پس بده و یا به من میوه سالم بده! و همین‌طور نفر بعدی و ...

حسابی گیج شده است. میوه‌ی خراب فروختم؟! مسخره کردم؟ کتک زدم؟ ... با التماس به مأموران می‌گوید: آخر من در این وضعیت پول از کجا بیاورم؟ شما یک چیزی بگویید. اما مأموران می‌گویند: چاره‌ای نیست. باید رضایت آنها را به دست آوری.

مدتی می‌گذرد. او که به جز کارهای خوب داخل پرونده‌اش چیز دیگری همراه ندارد، مجبور می‌شود مقداری از کارهای خوبش را به نفر اول بدهد تا او را از خودش راضی کند نفر دوم هم مقداری دیگر از ثواب‌هایش را می‌گیرد. نفر سوم و ... پس از مدتی همه‌ی کارهای خوبش تمام می‌شود، ولی طلبکاران هنوز تمام نشده‌اند. دیگر نمی‌داند چه کار کند. طلبکار بعدی که می‌بیند چیز دیگری برای او نمانده می‌گوید: چند تا از گناهان مرا بگیر تا از حق خودم بگذرم. نفر بعد گناهان دیگر و ...

انگار همه چیز دور سرش می‌چرخد. اصلاً حالش خوب نیست. هر قدر تلاش می‌کند، دیگر نمی‌تواند دروازه‌های بهشت را ببیند. شعله‌های آتش را می‌بیند که به طرفش می‌آید. سرش گیج

می‌رود و زیر پایش خالی می‌شود. فریاد بلندی می‌کشد و ناگهان ...

## حقوق سه‌گانه

به کارهایی که در طول یک شبانه روز انجام می‌دهیم فکر کنیم:

۱- غذا می‌خوریم،

۲- برای نماز به مسجد می‌رویم،

۳- برای سوار شدن به اتوبوس در صف می‌ایستیم،

اگر کمی دقت کنیم می‌بینیم بعضی از کارهایی که ما هر روز و شب انجام می‌دهیم برای این است که خودمان سالم بمانیم و بتوانیم از هر نظر رشد خوبی داشته باشیم. به این کارها حق‌النفس گفته می‌شود. غذا خوردن، استراحت کردن، مسواک زدن و مطالعه کردن از این کارها هستند. توجه به حق‌النفس یکی از مهم‌ترین وظایفی است که خداوند به عهدهٔ هر یک از ما قرار داده است.

بعضی کارهای دیگر را برای این انجام می‌دهیم که دستور خداوند را اطاعت کنیم. به این کارها حق‌الله گفته می‌شود. نماز خواندن، امر به معروف و دوری از گناهان از این گروه هستند. بخش دیگری از کارها، وظیفه‌های ما نسبت به دیگران است. ما موظفیم به نیازمندان کمک کنیم، دیگران را آزار ندهیم، حق دیگران را رعایت کنیم و به کسی ظلم نکنیم. به این وظایف حق‌الناس گفته می‌شود.



فعالیت کلاسی

۱- به نمونه‌ها توجه کنید و جدول زیر را با چند مثال دیگر کامل

کنید.

۱- کسی که بدون دلیل در ماه رمضان روزه نمی‌گیرد.	بی‌توجهی به حق‌الله
۲-	
۳-	

۱- کسی که به دیگران تهمت می‌زند.	بی توجهی به حق الناس
۲-	
۳-	
۱- کسی که عمر و وقتش را بیهوده تلف می‌کند.	بی توجهی به حق النفس
۲-	
۳-	

۲- به نظر شما اجرای کدام یک از این سه نوع وظیفه، اهمیت بیشتری دارد؟

خداوند بزرگ در قرآن کریم به بعضی از نمونه‌های حق الناس اشاره کرده و می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،  
از گمان فراوان درباره دیگران بپرهیزید،  
زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است.  
و [در کار یکدیگر] تجسس نکنید  
و بعضی از شما غیبت  
بعضی دیگر را نکند.

آیا کسی از شما دوست دارد  
گوشت برادر مرده‌اش را بخورد؟  
این کار برای شما ناپسند است،  
پس در برابر خداوند پرهیزکار باشید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا  
اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ  
إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ  
وَلَا تَجَسَّسُوا  
وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا

أَيُّجِبُّ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا  
فَكَرِهْتُمُوهُ  
وَأَتَّقُوا اللَّهَ...<sup>۱</sup>

۱- سوره حُجرات، آیه ۱۲.

این آیه به خوبی نشان می‌دهد که حقّ الناس فقط در حقوق مالی مردم نیست؛ بلکه حفظ آبرو، اسرار و شخصیت آنان نیز جزء حقّ الناس است.

دامنه حقوق دیگران آن قدر گسترده است که گاهی اوقات انسان‌ها با انجام بعضی کارها بدون اینکه خودشان توجه داشته باشند، حقوق عده زیادی از مردم را از بین می‌برند و در روز قیامت ناگهان با جمعیت بسیار زیادی از طلبکاران روبه‌رو می‌شوند.

مثلاً کسی را تصور کنید که آتشی را در جنگل روشن می‌کند و سپس هنگام رفتن، آن را خاموش نمی‌کند و همین بی‌توجهی او باعث آتش گرفتن بخش وسیعی از جنگل می‌شود. به نظر شما آیا این فرد در برابر تمام کسانی که به خاطر بی‌توجهی او از هوای پاک محروم شده‌اند، مسئول نیست؟

آیا کسی که با ریختن مواد سمی در رودخانه‌ها آب‌های عمومی را آلوده می‌کند، در برابر مردم مسئول نیست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به این گونه افراد فرمود:

از رحمت خدا دور است کسی که توقف‌گاه‌ها و استراحتگاه‌های عمومی را آلوده کند و [همچنین] کسی که راه عبور مردم را سد کند.<sup>۱</sup>

همین‌طور که می‌بینید چیزهایی وجود دارد که همه مردم حق دارند از آنها بهره‌مند شوند؛ جنگل‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، فضاهای سبز و کوه‌ها نمونه‌هایی از این اموال عمومی هستند که خداوند مهربان آنها را برای استفاده همه مخلوقات آفریده است.

دین اسلام نه تنها به همه مسلمانان سفارش می‌کند در حفظ محیط زیست کوشا باشند؛ بلکه کمک به رشد و حفاظت از این نعمت‌های الهی را در ردیف عبادات می‌شمارد.



- ۱- اگر کسی با شکستن یک درخت حق همه مردم را از بین ببرد، چگونه می‌تواند این حق بزرگ را جبران کند؟
- ۲- درباره بی‌توجهی به حقوق عمومی چند مثال بزنید.



- ۱- کسی که دوست دارد به بهشت الهی راه یابد، باید حقوق چه کسانی را رعایت کند؟
- ۲- اگر همهٔ مردم نسبت به حقوق یک دیگر بی توجهی کنند، چه اتفاقی در جامعه خواهد افتاد؟
- ۳- سه نمونه از حقوقی را که هم کلاسی‌ها بر شما دارند، بیان کنید.
- ۴- سه نمونه از حقوقی را که افراد خانواده (پدر، مادر، برادر، خواهر و ...) بر شما دارند، بیان کنید.



### بدترین دزدی

عقیل که آن شب مهمان برادرش علی علیه‌السلام بود، با برادرش روی بام دارالاماره نشسته بودند و با هم سخن می‌گفتند. عقیل منتظر فرصت مناسبی بود تا مسئلهٔ اصلی را بیان کند.

کم کم موقع صرف شام فرا رسید. عقیل که خود را مهمان دربار خلافت می‌دید، انتظار سفرهٔ رنگینی داشت، ولی سفره که پهن شد، جز غذایی بسیار ساده چیزی در آن نبود. غذایی مانند آنچه فقیرترین مردم کوفه می‌خوردند!

عقیل با کمال تعجب پرسید: غذا همین است؟

علی علیه‌السلام فرمود: مگر این نعمت خدا نیست؟ من که خدا را به خاطر این نعمت‌ها بسیار شکر می‌کنم.

عقیل کمی فکر کرد و سپس گفت: پس من حاجت خویش را زودتر بگویم و مرخص شوم. من بدهکارم و زیر بار قرض‌هایم مانده‌ام. اگر می‌خواهی به برادرت کمک کنی، دستور بده قرض مرا از بیت‌المال بپردازند.

- چقدر مقروضی؟

- صد هزار درهم!

- صد هزار درهم؟ چقدر زیاد! متأسفم برادر جان! این قدر ندارم که قرض‌های تو را

بدهم. اما کمی صبر کن تا موقع پرداخت حقوق برسد. از سهم شخصی خودم برمی‌دارم



و به تو می‌دهم و حق برادری را به‌جا خواهم آورد. اگر نیازها و مخارج خانواده خودم نبود، تمام سهم خودم را به تو می‌دادم و چیزی برای خودم نمی‌گذاشتم. صبر کنم تا وقت پرداخت حقوق برسد؟ بیت‌المال و خزانه کشور در دست توست؛ آن وقت به من می‌گویی صبر کن تا موقع پرداخت سهمیه‌ها برسد و از سهم خودم به تو بدهم؟! تو هر اندازه بخواهی می‌توانی از خزانه و بیت‌المال برداری. چرا مرا به رسیدن موقع پرداخت حقوق حواله می‌کنی؟ از این گذشته؛ مگر تمام حقوق تو از بیت‌المال چقدر است؟ اگر تمام حقوق خودت را هم به من بدهی! چه دردی از من دوا می‌کند؟ - من از پیشنهاد تو تعجب می‌کنم. خزانه دولت پول دارد یا ندارد چه ربطی به من و تو دارد؟ من و تو هم هر کدام فردی هستیم مثل سایر افراد مسلمین. این درست است که تو برادر منی و من باید تا آنجا که می‌توانم به تو کمک کنم، اما از مال خودم نه از بیت‌المال مسلمین!

این گفت‌وگو ادامه داشت و عقیل با زبان‌های مختلف درخواست خویش را تکرار می‌کرد؛

- اجازه بده از بیت‌المال پول کافی به من بدهند تا من دنبال کار خود بروم.  
پایین دارالاماره، بازار کوفه قرار داشت و از بالای بام، صندوق‌های پول تجار و



بازاری‌ها دیده می‌شد. در این بین که عقیل اصرار و سماجت می‌کرد علی علیه‌السلام فرمود:

- اگر باز هم اصرار داری و سخن مرا نمی‌پذیری، پیشنهادی به تو می‌کنم. اگر بپذیری می‌توانی تمام دین خویش را بپردازی و بیش از آن هم داشته باشی.

- چه کار کنم؟

- در این پایین صندوق‌هایی است؛ همین که خلوت شد و کسی در بازار نماند، از اینجا برو پایین و این صندوق‌ها را بشکن و هر چه دلت می‌خواهد بردار.

- صندوق‌ها مال کیست؟

- مال این مغازه‌داران است. اموال نقدینه خود را در آنجا می‌ریزند.

- عجب! به من پیشنهاد می‌کنی صندوق‌های مردم را بشکنم و مال مردم را که به هزار زحمت به دست می‌آورند و در اینجا می‌گذارند و با توکل بر خدا می‌روند، بردارم؟

- پس تو چطور به من پیشنهاد می‌کنی تا صندوق بیت‌المال مسلمین را برای تو باز کنم؟ مگر این مال متعلق به کیست؟ این هم متعلق به مردمی است که اکنون راحت در خانه‌های خویش خفته‌اند. حالا اگر آن پیشنهاد مرا قبول نداری، پیشنهاد دیگری می‌کنم، اگر میل داری این پیشنهاد را بپذیر.

- دیگر چه پیشنهادی؟

- اگر حاضری شمشیر خویش را بردار. من نیز شمشیر خود را برمی‌دارم. در این نزدیکی، شهر قدیمی حیره است. در آنجا بازرگانان و ثروتمندان بزرگی زندگی می‌کنند. شبانه به یکی از آنها شیخون می‌زنیم و ثروت کلانی به دست می‌آوریم.

- برادر جان من برای دزدی نیامده‌ام که تو این حرف‌ها را می‌زنی. من می‌گویم از بیت‌المال و خزانه کشور که در اختیار تو است، اجازه بده پولی به من بدهند تا من قرض‌هایم را ادا کنم.

- چطور ربودن مال یک نفر با شمشیر دزدی است، ولی ربودن مال عموم مردم دزدی نیست؟ تو خیال کرده‌ای دزدی فقط این است که کسی به دیگری حمله کند و با زور مال او را از چنگالش بیرون آورد؟ بدترین و زشت‌ترین اقسام دزدی همین است که تو الآن به من پیشنهاد می‌کنی!<sup>۱</sup>

# الهی

ای خدایی که حاجات و نیازها بهم در دست توست؛  
بر محمد و خاندانش درود فرست.

الهی،

هر یک از بندگانت که بر آمان تکی کردم؛  
و کسانی که آبرویشان را بدختم،  
یا امواتشان را تاه کردم،  
آنان که غیبتشان را کردم،  
و آنان که به سختی شان انداختم،  
و به آمان که تسم کردم،

الهی،

اکنون تو خود، آمان را از من راضی کن،  
که دستم کوتاه است و خود از جبران حجتان ناتوانم...<sup>۱</sup>

امام سجاد علیه السلام



۱- بحار الانوار، ج ۸۷، ص ۱۷۶ و مفاتیح الجنان دعای روز دوشنبه.



# نشان عزت

دو روز بیشتر تا پایان مهلت مسابقه عکاسی باقی نمانده بود و من هنوز نتوانسته بودم موضوع مناسبی برای عکاسی پیدا کنم.

آن روز در راه مدرسه نگاهم به باغچه کنار پیاده رو افتاد. گل‌های رز سفید، صورتی و قرمز در میان سبزه‌های زیبا و شاداب خودنمایی می‌کردند.

جلوتر رفتم و از نزدیک به آنها نگاه کردم. گل‌ها بهترین موضوع برای عکاسی بودند، اما حیف که دوربین همراهم نبود. با خودم گفتم: فردا حتماً دوربین را با خودم می‌آورم و چند عکس زیبا از گل‌ها می‌گیرم...

فردای آن روز زودتر از همیشه از خانه بیرون آمدم و با اشتیاق به طرف باغچه گل‌ها به راه افتادم. چند قدم تا باغچه بیشتر باقی نمانده بود که ناگهان از تعجب سرجایم میخ کوب شدم! روی زمین پر بود از گلبرگ‌های پژمرده و برگ‌های سبزرنگی که از ساقه جدا شده بودند! از آن بوته‌های زیبای گل به جز چند ساقه خالی چیزی باقی نمانده بود. اندوهی تمام وجودم را فرا گرفت. نمی‌توانستم باور کنم که ...

آن روز تا ظهر در فکر سرنوشت دردناک گل‌ها بودم. تازه برای عکاسی هم باید دنبال موضوع جدیدی می‌گشتم. با خودم گفتم فردا هر جا بروم دوربین را با خودم می‌برم، دیگر نباید هیچ فرصتی را از دست بدهم.

فردای آن روز در راه مدرسه ...

انگار دارم خواب می‌بینم! یک بوته بزرگ پر از گل‌های محمدی زیبا! آن هم در نزدیکی همان گل‌های پرپر شده دیروز؟! با خودم فکر کردم چطور ممکن است دست‌های بی‌رحمی تمام گل‌های آن بوته را پرپر کرده باشند، ولی هیچ آسیبی به این گل‌های شاداب و با طراوت نرسانده باشند؟ خوب که دقت کردم دیدم پاسخ من تنها یک کلمه بود: پرچین!



به نظر شما آیا باغبانی که اطراف یک بوته گل را حصار می‌کشد، آن را زندانی کرده است؟ این اقدام باغبان برای چه کسی سودمندتر است؟ همه ما تلاش می‌کنیم از اشیاء ارزشمند و گرانبه‌های خود در برابر خطرات و آسیب‌ها محافظت کنیم. قراردادن اشیاء گرانبه‌ها در گاو صندوق نمونه‌ای از این مراقبت‌هاست.



با دوستانتان در کلاس گفت و گو کنید و نمونه‌های دیگری از این مراقبت‌های عاقلانه را بیان کنید.

## آرامش و امنیت

یکی از دستورات حکیمانه خداوند که سلامتی روح ما انسان‌ها را در پی دارد، حکم حجاب است. آفریدگار دانا و توانا که از هر شخص دیگری به نقاط قوت و ضعف ما آگاه‌تر است، می‌فرماید:

یا أَيُّهَا النَّبِيُّ  
قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ وَبَنَاتِكُمْ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ  
يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ...<sup>۱</sup>

ای پیامبر!  
به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو  
چادرهای خود را بر خود فروپوشند.

این آیه نورانی به خوبی نشان می‌دهد که مهم‌ترین فایده حجاب، در امان ماندن از آزار و اذیت افراد سودجو و هوسران است. نگاهی به آمارهای منتشر شده نشان می‌دهد که بیشترین آزار و اذیت‌ها درباره دختران و زنانی است که پوشش مناسبی ندارند و خود را در معرض دید مردان نامحرم قرار می‌دهند. این افراد - بدون آنکه خودشان توجه داشته باشند - با تحریک جوانان سست اراده، خود را در دامی می‌اندازند که نتیجه شوم آن قابل پیش بینی نیست.



آمارهای تکان دهنده جرایم اخلاقی در کشورهای غربی و مزاحمت های اجتماعی برای زنان، توجه کارشناسان و صاحب نظران این کشورها را به حجاب بیشتر جلب کرده است. آنان می بینند مشکلات ناشی از بی حجابی در کشورهایشان دهها برابر کشورهای اسلامی است و پوشش زنان مسلمان را عامل اصلی آرامش و امنیت آنها می دانند.

جودیت میلر؛ خبرنگار امریکایی روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای با عنوان «امنیت زنان در اسلام» می نویسد: «امروزه بیش از هر زمان دیگری شاهد گرایش زنان مسلمان به حجاب هستیم. اما علت چیست؟ علت هدیه‌ای است که اسلام آن را به روح و روان مردان و زنان جامعه‌های اسلامی تقدیم کرده است. پوشش (حجاب) برای زن این امکان را فراهم ساخته است که در شهرهای شلوغ بتواند به راحتی فعالیت کند و از مزاحمت مردان جوان و ... درامان بماند. حجاب یک پیام غیرقابل تردید به اطرافیان می فرستد. حجاب می گوید: این زن نجیب است، با او کاری نداشته باشید!»

هم چنین روزنامه وال استریت ژورنال در سال ۱۳۸۹ گزارش می دهد:

«در پی افزایش آزار و اذیت و حملات به زنان در شهر نیویورک، پلیس این شهر واحد گشتی تأسیس کرده است که زنانی را که پوشش نامناسب دارند متوقف می کند و به آنان تذکر می دهد تا نوع پوشش خود را تغییر دهند. طبق اظهار رهگذران، پلیس به این افراد یادآوری می کند که پوشش بد آنها باعث می شود عده‌ای به خودشان اجازه دهند تا آنان را مورد آزار و تجاوز قرار دهند. رییس پلیس شهر نیویورک در این باره می گوید: ما تنها به زنان یادآوری می کنیم که در بخش عمده‌ای از تجاوزها، افراد متجاوز به زانی حمله کرده‌اند که لباس نامناسب به تن داشته‌اند.»

## حفظ خانواده

یکی دیگر از ثمرات مهم حجاب، حفظ صمیمیت و محبت در میان اعضای خانواده است. در یک جامعه سالم، مردان و زنان بدون آنکه گرفتار خودآرایی و اختلاط با یکدیگر باشند، در محیط کار و تحصیل به انجام مسئولیت‌های اجتماعی خود می پردازند و در محیط خانواده، نیازهای عاطفی خود را تأمین می نمایند و علاقه و محبت خود را در میان خانواده خود و به صورت صحیح

ابراز می کنند. اما در جامعه ناسالم، برخی زنان با پوشش نامناسب و خودآرایی‌های تحریک کننده، دیگران را به تماشای خود دعوت می کنند. اکنون خودتان قضاوت کنید؛ چنین خانمی آیا می تواند تمام محبتش را تقدیم خانواده خود کند؟ احساس خانواده اش نسبت به او چه خواهد بود؟



به نظر شما علت اصلی بدحجابی و آرایش‌های تند و تحریک کننده برخی دختران و زنان در جامعه ما چیست؟

### مسئولیت مشترک

تا اینجا دانستیم که حفظ حجاب از دستورات مهم اسلام است و هیچ مانعی برای رشد و پیشرفت نیست؛ لذا امروزه در میان نخبه‌های علمی کشور، دختران عقیف و محجبه بسیاری دیده می شود که گواه بر این مدعاست. اما آیا این تنها مسئولیت زنان است و مردان برای حفظ سلامت پاکدامنی جامعه مسئولیتی ندارند؟ خداوند در قرآن کریم می فرماید:

[ای پیامبر] به مؤمنان بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرمان] فروگیرند، و دامان خود را [از گناه] حفظ نمایند، که این برای آنان پاکیزه تر است، زیرا خدا به آنچه می کنند آگاه است. و به زنان مؤمن [نیز] بگو چشم‌های خود را [از نگاه به نامحرمان] فرو گیرند و دامان خود را [از گناه] حفظ نمایند و زینت خود را جز آن مقدار که [مانند گردی صورت] نمایان است، آشکار نکنند.<sup>۱</sup>

به نظر شما چرا خداوند دانا در این آیات هریک از مردان و زنان را به صورت جداگانه مخاطب خود قرار داده و این راهنمایی را برای هر دو گروه تکرار کرده است؟ این آیات به روشنی نشان می دهد که حفظ پوشش به تنهایی برای سلامت جامعه کافی

۱- سوره نور، آیات ۳۰-۳۱.

نیست و تمام افراد - چه مرد و چه زن - باید با رفتار و گفتار خود، حیا و عفت را رعایت کنند. دین اسلام، هر کاری که مردان یا زنان را به گناه اندازد، حرام می‌داند. پوشیدن لباس‌های تنگ و بدن نما، سخن گفتن با لحنی که دیگران را تحریک کند، پوشیدن لباس‌هایی که انسان را در جامعه انگشت نما می‌کند و انجام هر رفتاری که توجه نامحرم را به سوی انسان جلب کند حرام است و در تمام این موارد فرقی بین مردان و زنان نیست.

## چند نکته احکام

- ۱- پوشاندن تمام بدن به جز صورت و دست‌ها (از مچ تا انگشتان) برای زنان واجب است.
- ۲- نگاه به مو و بدن زنان نامحرم حرام است و نگاه به صورت آنان نیز اگر موجب گناه شود، جایز نیست.
- ۳- نگاه به بدن مردان نامحرم برای زن حرام است.
- ۴- افراد محرم برای زنان عبارتند از: پدر، شوهر، پسر، برادر، پدر بزرگ، پدر شوهر، عمو، دایی، پسر برادر، پسر خواهر، پسر پسر، پسر دختر. به غیر از اینها تمامی مردان برای زنان نامحرم هستند؛ یعنی زنان نباید در حضور مردان نامحرم بدون حجاب اسلامی ظاهر شود. و افراد محرم برای مردان عبارتند از: مادر، زن، دختر، خواهر، مادر بزرگ، مادر زن، خواهر، عمه، خاله، دختر خواهر، دختر برادر، دختر پسر، دختر دختر. به غیر از اینها تمامی زنان برای مردان نامحرم هستند؛ یعنی مردان نباید به زنان نامحرم اگر حجاب اسلامی ندارند، نگاه کنند.



- ۱- با توجه به آیات قرآن کریم، مهمترین فایده حجاب برای بانوان چیست؟
- ۲- مسئولیت مشترک مردان و زنان برای حفظ پاکی جامعه چیست؟
- ۳- مقدار پوشش واجب برای زنان چقدر است؟
- ۴- آیا بانوان می‌توانند بدون جوراب در برابر نامحرم رفت و آمد کنند؟ چرا؟





## ارزش فرمان خدا

یکی از اصلی‌ترین مخالفان حکم حجاب، سیاستمداران فاسد و هوسرانی هستند که اهداف خود را در بی‌عفتی زنان می‌بینند. آنها تلاش می‌کنند به هر وسیله‌ای که شده (از تبلیغات رسانه‌ای گرفته تا تصویب قوانین ضد حجاب و سخت‌گیری به زنان محجبه) جامعه را به سوی بی‌حجابی و برهنگی سوق دهند. اخراج دختران با حجاب از مدارس و دانشگاه‌ها یکی از این اقدامات است که در برخی کشورها مانند فرانسه صورت می‌پذیرد. آنچه می‌خوانید نامه دختر ۱۰ ساله‌ای به نام راضیه نادران است که به دلیل به سرداشتن روسری از تحصیل در مدرسه محروم شده است:

اولین سالی که ما به فرانسه آمدیم، من را برای این که روسری داشته‌م به مدرسه راه ندادند. من یک سال تمام در خانه ماندم و درس‌هایم را هم در خانه خواندم. در سال دوم بعد از بحث‌های زیاد بالاخره قبول کردند که من با حجاب به مدرسه بروم. در این سال همراه درس‌های فرانسوی به فراگیری درس‌های ایرانی در منزل ادامه دادم. اما امسال با اینکه معلم من پذیرفت که من با روسری در کلاس حاضر شوم، اما مدیر مدرسه شروع به سخت‌گیری درباره حجاب من کرد. او هر روز برای بابایم نامه می‌داد و از او می‌خواست که اجازه دهد من بی‌حجاب به مدرسه بروم. انگار که من حجابم را به زور پدرم به سر می‌کنم!

بالاخره در آخرین نامه نوشت: اگر راضیه روسریش را بر ندارد دیگر حق آمدن به مدرسه را ندارد.

او این نامه را صبح به من داد و بعد از ظهر وقتی برای آوردن کتاب‌ها و دفترهایم به مدرسه رفتم، دیدم مثل فرمانده پادگان با تعدادی از معلم‌ها جلوی در ایستاده بود و به خیال این که من می‌خواهم به کلاس بروم با عصبانیت و خشونت گفت: «نه! نه! راضیه نه! نه!»

من در آن موقع خیلی ناراحت شدم و بغض گلویم را گرفتم. ولی با این حال به او گفتم: برای بردن کیفم آمده‌ام. من از آن روز دیگر به مدرسه نمی‌روم و در



خانه درس‌هایم را ادامه می‌دهم، اما این برخورد بد و بی‌ادبانه مدیر را هرگز فراموش نمی‌کنم.

پس از آن خبرنگار تلویزیون فرانسه در مصاحبه‌ای از من پرسید: آیا باز هم می‌خواهی به حجاب ادامه دهی؟ گفتم: حجاب بر من واجب است. من از ۹ سالگی حجاب داشتم و تا آخر عمر هم خواهم داشتم. من بازی کردن با بچه‌ها و مدرسه رفتن را دوست دارم، ولی دینم و حجابم را از همه بیشتر دوست دارم و حاضرم در خانه تنها باشم ولی خدا از من راضی باشد.

به دخترهای مسلمان می‌گویم که از این سر و صداهای فرانسوی‌ها و سیاست‌های ضد اسلامی‌شان نترسند و به مبارزه خود ادامه دهند که حتماً پیروزی از آن ماست.

راضیه نادران ده ساله از کلرمون فرانسه

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ

عَجَلُوا بِالصَّلَاةِ



# مسئولیت همگانی

شهری را تصور کنید که مردم خوب و با ایمانی در آن زندگی می‌کنند. آنها سعی می‌کنند به دستورات دینشان عمل کنند و راه درست زندگی را در پیش بگیرند.

پس از مدتی در این شهر گروهی پیدا می‌شوند که مرتکب کارهای زشت می‌شوند. آنها خیلی راحت در مقابل چشم‌های دیگران گناه می‌کنند و هنگامی هم که چشمشان به افراد با ایمان می‌افتد، آنها را مسخره می‌کنند. هیچ‌کس هم به رفتار زشت آنها اعتراضی نمی‌کند و همه با بی‌تفاوتی از کنار آنها می‌گذرند.

به نظر شما رفتار زشت آنها چه تأثیری بر دیگران خواهد گذاشت؟ و کودکان و نوجوانانی که رفتارهای این گناه‌کاران را مشاهده می‌کنند، چه چیزی از آنان خواهند آموخت؟  
به نظر شما می‌توانیم کسانی که کارهای زشت را می‌بینند و راحت از کنار آنها می‌گذرند، درست‌کار بدانیم؟

ای کاش همه مردم راستگو و درستکار بودند و خودشان را از گناهان و کارهای زشت دور نگه می‌داشتند. اما واقعیت این است که همه آنها این‌گونه نیستند. از ابتدای آفرینش تاکنون، همواره عده‌ای دانسته یا نادانسته مرتکب کارهای زشت می‌شوند و به وظایف خود عمل نمی‌کنند.  
به نظر شما وظیفه ما در چنین زمانی چیست؟



خداوند حکیم برای گسترش نیکی‌ها و جلوگیری از بدی‌ها، برنامه‌ کاملی به مسلمانان آموخته است:

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ

شما بهترین امتی هستید  
که برای مردم آفریده شده‌اید؛  
[چرا که] امر به معروف  
و نهی از منکر می‌کنید  
و به خدا ایمان دارید.

تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ  
وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ<sup>۱</sup>

امر به معروف یعنی دعوت دیگران به انجام وظایف دینی و نهی از منکر یعنی بازداشتن دیگران از زشتی‌ها و کارهای ناپسند.  
امیرمؤمنان حضرت علی علیه‌السلام درباره این وظیفه مهم می‌فرماید:

همه کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا، در مقایسه با امر به معروف و نهی از منکر مانند یک قطره در برابر دریایی پهناور و عمیق است. خداوند سبحان اقوام پیش از شما را عذاب نکرد، مگر به خاطر اینکه امر به معروف و نهی از منکر را ترک کردند. پس بی‌خردان آنها را به خاطر انجام معصیت‌ها عذاب کرد و خردمندان را به خاطر نهی نکردن از زشتی‌ها.<sup>۲</sup>

۱- سوره آل عمران، آیه ۱۱۰.

۲- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش ۳۷۴ و خطبه ۱۹۲.



با توجه به مطالب گفته شده جدول زیر را کامل کنید.

رویداد	انجام امر به معروف و نهی از منکر	ترک امر به معروف و نهی از منکر
دانش آموزی اموال عمومی مدرسه را خراب می کند.		
افرادی با پوشش نامناسب در جامعه ظاهر می شوند.		
فردی درباره دیگران بدگویی و غیبت می کند.		
در کلاس یک نفر حواس دیگران را پرت می کند.		
مغازه داری گران فروشی می کند.		
فردی نمازگزاران را مسخره می کند.		
.....		
.....		

### شیوه های امر به معروف و نهی از منکر

اگر مقداری گچ روی لباس شما ریخته باشد، چگونه آن را پاک می کنید؟  
 حالا اگر لباس شما با جوهر خودکار تان کشیف شده باشد، آیا باز هم می توانید با تکاندن لباس، آن را پاک کنید؟

در هر دو حالت هدف شما پاک کردن لباس است، اما روش ها متفاوت اند!  
 در نهی از منکر هدف ما این است که انسان خطاکار به اشتباهش ادامه ندهد.

گاهی شخص خطاکار متوجه زستی رفتارش نیست، در این صورت ما باید با مهربانی او را متوجه اشتباهش کنیم و با احترام از او بخواهیم که دیگر آن خطا را تکرار نکند. گاهی نیز همین که با دیدن یک گناه روی خود را برگردانیم و با فرد خطاکار به سردی رفتار کنیم، برای جلوگیری از آن اشتباه کافی است. در بعضی موارد نیز برای اینکه ناراحتی خود را از انجام گناهی نشان دهیم، باید آنجا را ترک کنیم. البته باید توجه داشته باشیم که برای حفظ آبروی افراد، تا حد امکان نباید خطاهایشان را در حضور دیگران به آنها بازگو کنیم.



آیا به نظر شما با این شیوه‌ها همواره می‌توان از انجام گناهان جلوگیری کرد؟ مثلاً آیا می‌توانیم با صحبت کردن با کسی که به خرید و فروش مواد مخدر می‌پردازد، او را از تکرار این گناه بزرگ بازداریم؟

پس در چنین زمان‌هایی وظیفه ما چیست؟

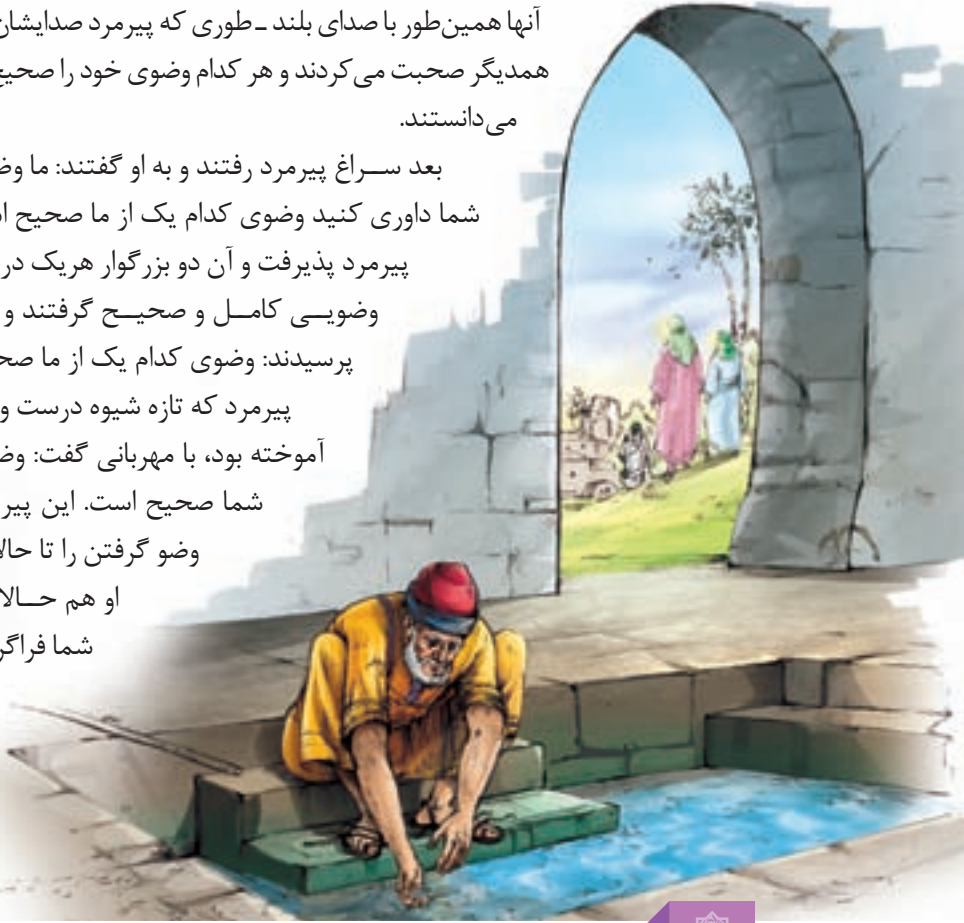
ما برای اینکه کار خوبی را به دیگران یاد بدهیم و یا آنها را به انجام خوبی‌ها تشویق کنیم، می‌توانیم از شیوه‌های مختلفی استفاده کنیم. یکی از این شیوه‌ها - که بسیار ساده است - امر به معروف زبانی است. در این شیوه ما با صحبت کردن با دیگران، کارهای شایسته را به آنان یاد داده و آنان را به انجام نیکی‌ها تشویق می‌کنیم. اما شیوه دیگر امر به معروف که تأثیر بیشتری هم بر دیگران می‌گذارد، امر به معروف عملی است. ببینیم:

پیرمردی مشغول وضو گرفتن بود، اما شیوه صحیح این کار را بلد نبود. امام حسن و امام حسین علیهما السلام که در آن هنگام کودکانی کم‌سن و سال بودند، وضو گرفتن پیرمرد را دیدند. آنها باید او را از این اشتباه نجات می‌دادند، اما چگونه؟ اگر می‌خواستند با صراحت به او بگویند وضویت غلط است، حتماً دلش می‌شکست و ناراحت می‌شد. شاید به خاطر همین ناراحتی بر سر لجاجت می‌افتاد و حاضر نمی‌شد وضوی صحیح را فرا گیرد. آنها کمی فکر کردند و سپس؛

- ببین، وضوی من کامل تر است، خوب نگاه کن!...  
- نخیر، وضوی من بهتر است...

آنها همین طور با صدای بلند - طوری که پیرمرد صدایشان را بشنود - با همدیگر صحبت می کردند و هر کدام وضوی خود را صحیح تر از دیگری می دانستند.

بعد سراغ پیرمرد رفتند و به او گفتند: ما وضو می گیریم، شما داوری کنید وضوی کدام یک از ما صحیح است؟  
پیرمرد پذیرفت و آن دو بزرگوار هریک در برابر پیرمرد، وضویی کامل و صحیح گرفتند و سپس از او پرسیدند: وضوی کدام یک از ما صحیح بود؟  
پیرمرد که تازه شیوه درست وضو گرفتن را آموخته بود، با مهربانی گفت: وضوی هر دوی شما صحیح است. این پیرمرد است که وضو گرفتن را تا حالا بلد نبود که او هم حالا این کار را از شما فراگرفت.<sup>۱</sup>



- ۱- امر به معروف و نهی از منکر یعنی چه؟
- ۲- از میان روش های نهی از منکر به سه شیوه اشاره کنید.
- ۳- مؤثرترین شیوه امر به معروف کدام شیوه است؟ مثالی بزنید.

۱- بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۳۱۹.



## کتابنامه

- ۱- قرآن کریم
- ۲- الأمالی، شیخ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، تهران، انتشارات کتابخانه اسلامی، ۱۳۶۲.
- ۳- الأمالی، شیخ مفید، محمدبن محمدبن نعمان، قم، چاپ کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳.
- ۴- بحار الأنوار، مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، بیروت، مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴.
- ۵- برداشت‌هایی از سیره امام خمینی (ره)، رجایی، غلامعلی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۵.
- ۶- تحف العقول، حرانی، حسن بن شعبه، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۴.
- ۷- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴.
- ۸- جامع الأخبار، شعیری، تاج‌الدین، قم، انتشارات رضی، ۱۳۶۳.
- ۹- جامع الصغیر سیوطی، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱.
- ۱۰- خدای من، کلهر، فریبا، تهران، انتشارات مدرسه برهان، ۱۳۸۸.
- ۱۱- داستان راستان، مطهری، مرتضی، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۸۸.
- ۱۲- روزه می‌تواند زندگی‌ات را نجات دهد، هربرت مک‌گالفین شیتن، ترجمه ماشاءالله فرخنده، تهران، نواندیش، ۱۳۸۷.
- ۱۳- الصحیفه السجادیه، قم، دفتر نشر الهادی، ۱۳۷۶.
- ۱۴- عنایات حضرت مهدی (عج) به علما و طلاب، باقی اصفهانی، محمدرضا، قم، انتشارات نصایح، ۱۳۷۹.
- ۱۵- عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، قم، انتشارات جهان، ۱۳۷۸.
- ۱۶- غرر الحکم و درر الکلم، آمدی، عبدالواحدبن محمد تمیمی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.
- ۱۷- فقیه من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، محمدبن علی بن حسین بن بابویه قمی، قم، انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۱۳.
- ۱۸- الکافی، کلینی، محمدبن یعقوب، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

- ۱۹- گام به گام تا انتخاب حجاب، مهدی اسماعیلی، قم، شهاب الدین، ۱۳۹۰ .
- ۲۰- مستدرک الوسائل، محدث نوری، حسین، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۸.
- ۲۱- المستدرک علی الصحیصین، حاکم نیشابوری.
- ۲۲- مصباح الشریعه، منسوب به امام جعفر صادق علیه السلام، بی جا، چاپ مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۰.
- ۲۳- مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۲۴- نهج البلاغه، نسخه صبحی صالح، قم، انتشارات دارالهجره، بی تا.
- ۲۵- وسائل الشیعه، حر عاملی، محمدبن حسن، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۹.



معلمان محترم، صاحب نظران، دانش آموزان عزیز و اولیای آنان می توانند نظر اصلاحی خود را در باره مطالب

این کتاب از طریق نامه به نشانی تهران - صندوق پستی ۳۶۳ ۱۵۸۵۵ - گروه دینی مربوطه و یا پیامکار (Email)

talif@talif.sch.ir ارسال نمایند.

دفتر نامه ریزی و تایف کتاب؛ بونی